

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

انواع صفات اخلاقی - تنظیم شناسنامه‌ی اخلاقی برای خود

کلیدواژه‌ها: طبقه‌بندی صفات اخلاقی، صفات مثبت و منفی، صفات موروثی و خدادادی و اکتسابی، صفات فعال و غیرفعال، تنظیم شناسنامه‌ی اخلاقی، راه‌های کشف صفات اخلاقی خود.

به ضرورت شناخت صفات مثبت و منفی، خطرات این راه و راه مصونیت از این خطرات اشاره کردیم؛ حالا به سراغ طبقه‌بندی صفات می‌رویم. همان‌طور که گفتیم، صفات اخلاقی قابل طبقه‌بندی هستند. یکی از این طبقه‌بندی‌ها که شما دیگر با مراجعه به کتاب‌های اخلاقی، به آن مسلط شده‌اید، این است که صفات را به صفات خوب یا مثبت، و صفات بد یا منفی طبقه‌بندی می‌کنند. طبقه‌بندی دوم از منظر نحوه‌ی به‌وجود آمدن صفات در انسان است که به آن اشاره کرده‌ایم. صفت، یا موروثی است و از نسل‌های قبل به فرد منتقل شده؛ یا خدادادی است و بدون اینکه از نسل‌های قبل منتقل شود، از بدو تولد در انسان بوده؛ و یا اکتسابی است و خود انسان آن صفت را در خودش ایجاد کرده است.

در طبقه‌بندی دیگر، صفات اخلاقی به صفات فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. بعضی از صفات اخلاقی به‌دلیل اینکه زمینه‌های مساعدی در اختیار آن بوده، در ما چنان قوت گرفته است که در رفتارهای ما خودش را ظاهر کرده است؛ در حرف زدن‌هایمان، در رفتارهایمان، در لباس پوشیدنمان، در نشست و برخاست‌هایمان و در افکار و اندیشه‌هایمان خودش را نشان داده است؛ یعنی در وجودمان فعال شده است. بعضی دیگر از صفات در ما هست که به دلیل نبودن زمینه‌های مساعد، هنوز در ما فعال نشده

است؛ یعنی در رفتار، گفتار، کردار و افکار ما هنوز علائمی از آن ظاهر نشده است؛ مثل اینکه میکروب وارد بدن فردی شده؛ اما هنوز محیط مساعدی برای تکثیر و رشد پیدا نکرده است. آن بیماری در این فرد هست؛ اما هیچ علامتی از آن بیماری در او دیده نمی‌شود؛ یعنی نه تب کرده، نه بدنش درد می‌کند، نه گلویش چرکی شده است. هیچ نشانه‌ای از وجود آن بیماری نیست؛ اما میکروب در بدن این شخص هست. این میکروب اگر یک فرصت مساعد پیدا کند، تکثیر می‌شود و همه‌ی آن علائم هم ظاهر می‌شود.

شناخت صفات غیرفعال خیلی تعیین‌کننده است؛ البته خیلی دشوار است؛ چون هیچ علامتی ندارد. وقتی هیچ‌یک از علائم بیماری در شما نیست، من از کجا می‌توانم بفهمم که اصلاً چنین میکروبی وارد بدن شما شده است؟! در این مورد، کار خیلی سخت است؛ اما اگر کسی بتواند صفات غیرفعال خود را شناسایی کند، در مسیر خودسازی، کار برایش خیلی ساده می‌شود؛ چون اگر آن صفت، صفت منفی غیرفعالی باشد، اگر امروز که بالقوه و غیرفعال است آن را بشناسید، به راحتی با کوچک‌ترین اقدامی می‌توانید ریشه‌اش را از وجودتان بکنید. اما اگر امروز کشفش نکنید و بعداً زمینه‌های مساعدی در اختیارش قرار گیرد و فعال شود، آن روز اگر بخواهید آن صفت را از وجود خودتان بکنید، دیگر به این سادگی قابل‌کندن نیست؛ مثل میکروبی که وارد بدن شما شده و هنوز تکثیر نشده است. این میکروب با یک قرص سرماخوردگی کارش تمام است؛ اما اگر امروز به آن نپردازید و این میکروب تکثیر شود، گلویتان چرکی شود و تب کنید، آن وقت شما را در بستر می‌اندازد و دیگر با یک قرص سرماخوردگی قابل‌درمان نیست. اگر این صفت، مثبت هم باشد، همین‌طور است؛ یعنی اگر بتوانید صفت مثبت غیرفعالی را در درون خودتان کشف کنید، می‌توانید با تلاش، زمینه‌های مساعد فعال شدن آن صفت را در خودتان ایجاد کنید و آن صفت را فعال کنید و هرچه زودتر از ثمرات آن صفت در زندگی‌تان بهره بگیرید.

یک نکته هم راجع به صفات موروثی و اکتسابی بگویم؛ این هم بد نیست. گفتیم صفات موروثی، ریشه-های عمیقی از نسل‌های قبل در شخصیت انسان دارد؛ در حالی که صفات اکتسابی مثل نهال نورسته-ای است که تازه در زمین شخصیت انسان رویده و ریشه‌هایش خیلی کم‌عمق است. طبیعتاً تغییر صفات موروثی خیلی دشوارتر است. صفت موروثی اگر منفی باشد، کندنش خیلی سخت‌تر است و اگر مثبت باشد، پایداریش خیلی زیاد است. صفت اکتسابی اگر منفی باشد، خیلی ساده‌تر می‌توانید آن را از وجود خودتان بکنید؛ چون ریشه‌های عمیقی ندارد و راحت کنده می‌شود؛ و اگر مثبت باشد، نیاز به مراقبتی جدی‌تر دارد؛ چون این درخت ریشه‌هایش هنوز سست است؛ هنوز درخت ناتوان و ضعیفی است؛ و خطر اینکه تند بادهای محیطی بیاید این نهال را از ریشه در بیاورد، خیلی زیاد است؛ لذا حواستان باید بیشتر جمع باشد.

اینجا نکته‌ای را بگویم؛ شاید همه‌ی ما این آرزو در دلمان باشد که ای کاش پدر و مادرهای ما انسان‌هایی اهل فضیلت‌های اخلاقی بودند تا صفات مثبت زیادی به‌راحتی از آنها به ما به ارث می‌رسید و ما این‌همه با دشواری کسب صفات مثبت و رفع صفات منفی اخلاقی روبه‌رو نبودیم؛ مفت و رایگان از همان اول عمر، این صفات‌های مثبت به ما به ارث می‌رسید. این آرزو، آرزوی قشنگی است؛ ولی کار از کار گذشته است. پدر و مادر ما همان‌هایی هستند که هستند. صفاتی هم که از آنها به ما به ارث رسیده، همین است که هست. این داستان، با آرزو قابل‌تغییر نیست. اما شما به بچه‌های آینده‌ی خودتان حق می‌دهید که چنین آرزویی بکنند؟ آنها هم حق دارند که آرزو کنند دیگر! شما امروز می‌توانید کاری کنید که آرزوی اینها برآورده شود. یعنی چه؟ یعنی امروز در مسیر تزکیه و تهذیب اخلاقی خودتان قدم بردارید. اگر چنین قدمی بردارید، علاوه بر اینکه خودتان یک شخصیت متعالی و زیبای اخلاقی پیدا می‌کنید، سبب می‌شوید که فرزندان آینده‌ی شما هم بدون زحمت چنین سرمایه-ای به دستشان بیاید.

جا دارد اینجا یک تذکر دیگر هم بدهم. شما الان از نظر سن، دیگر در معرض ازدواج هستید. نمی‌گویم در ازدواج اصلاً به عوامل ظاهری طرف مقابل نگاه نکنید؛ نه، آنها هم هرکدام برای خودش اعتباری دارد. یعنی نه اینکه به زیبایی ظاهری و ثروت طرف، به تحصیلات و شغل طرف نگاه نکنید؛ اما همه‌ی نگاهتان را هم به اینها ندهید! یکی از چیزهایی که جا دارد انسان در مسأله‌ی ازدواج، به‌طور جدی به‌عنوان یک معیار و فاکتور به آن نگاه کند، همین فضیلت‌های اخلاقی است. چرا؟ چون همسر انسان کسی است که صفات اخلاقی او، به فرزند انسان به ارث می‌رسد. بنابراین فرد نگاه کند ببیند آیا او صفات اخلاقی‌یی را که انسان دوست دارد فرزندش در آینده داشته باشد، دارد؟ جا دارد که انسان در این تصمیم‌گیری به این مورد هم به‌عنوان یک معیار توجه کند. این نکته‌ای بود درباره‌ی توانمندتر بودن صفات موروثی نسبت به صفات اکتسابی.

نکته‌ی دوم این است که شخصی که صفات مثبتی را از راه موروثی به‌دست آورده، گرچه سرمایه‌ی گرانبهایی را در اختیار دارد، اما معمولاً قدر این سرمایه را نمی‌داند؛ چرا؟ چون زحمتی برای به‌دست آوردنش نکشیده است؛ مثل بچه‌ای که پدر پولداری داشته و پدر مُرده و ثروت انبوهی به دست او رسیده است. چون او برای به‌دست آوردن این ثروت زحمت نکشیده و این ثروت بادآورده است، معمولاً هم آن را به باد می‌دهد؛ دلش برای آن نمی‌سوزد ولذا راحت از دستش می‌دهد. افرادی که صفات مثبت اخلاقی به شکل موروثی به آنها می‌رسد، معمولاً قدرش را نمی‌دانند. مضافاً بر این، چون خودشان آن صفات را کسب نکرده‌اند که در راه کسب آنها، خطراتی که این صفات را تهدید می‌کند، شناخته و با آنها گلاویز شده باشند، طبیعتاً نه نسبت به حفظشان حساس هستند و نه خطرات تهدیدکننده‌شان را می‌شناسند. اما کسانی که صفات مثبت را به شکل اکتسابی به‌دست می‌آورند، هم چون جان‌کننده‌اند تا به‌دست آورده‌اند، ارزششان را می‌دانند؛ هم چون در راه به‌دست آوردن آنها با خطرات مقابله کرده‌اند، می‌دانند چه خطراتی این صفات را تهدید می‌کند.

سومین تفاوت بین صفات موروثی و اکتسابی هم این است: اشخاصی که صفات مثبت را به شکل موروثی به دست می‌آورند، گرچه شخصیت زیبا، دوست‌داشتنی و ارزشمندی دارند، اما نمی‌توانند مرتبان اخلاق موفق برای دیگران باشند؛ مثل همان بچه‌ای که ثروت انبوهی از پدرش به او به ارث رسیده است؛ که خودش فرد پولداری است؛ اما نمی‌تواند راه پولدار شدن را به دیگران یاد بدهد. چون خودش راه کسب و تجارت را طی نکرده، نمی‌تواند یاد بدهد. لذا معمولاً انسان‌هایی مرتبان اخلاق موفق‌تری هستند که صفات اخلاقی را به شکل اکتسابی در خودشان ایجاد کرده‌اند.

راه‌های کشف و شناسایی صفات اخلاقی خود

دیده‌اید؛ مریض را که به بیمارستان می‌برند و بستری می‌کنند، اولین کاری که برای بیمار انجام می‌شود چیست؟ اقدامات تشخیصی است؛ اولین گام این است. بلافاصله می‌آیند خونش را می‌گیرند، به آزمایشگاه می‌برند و تجزیه می‌کنند، نوار قلب از او می‌گیرند، درجه‌ی حرارت بدنش را اندازه می‌گیرند و اینها را ثبت می‌کنند. این موارد برگ اول پرونده‌ی معالجات این بیمار را تشکیل می‌دهد و از آن به بعد هر پزشکی بخواهد برای او تجویزی بکند، آن را نگاه می‌کند و براساس آن، تجویز و راه معالجه را انتخاب می‌کند. ما هم برای معالجات اخلاقی خودمان، به این برگ اول پرونده‌ی درمان خودمان نیازمندیم؛ یعنی به آن برگ‌گی که اقدامات تشخیصی را ثبت می‌کند. این برگ می‌تواند چنین فرمی داشته باشد:

شناسنامه‌ی اخلاقی

صفات اکتسابی				صفات خدادادی				صفات موروثی			
شدت	منفی	شدت	مثبت	شدت	منفی	شدت	مثبت	شدت	منفی	شدت	مثبت

همان‌طور که می‌بینید، این فرم جدولی است با سه ستون اصلی. ستون اول، صفات موروثی را؛ ستون دوم، صفات خدادادی را؛ و ستون سوم، صفات اکتسابی را نمایش می‌دهد. هر ستون نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ صفات مثبت و صفات منفی. جلوی هر کدام از آن دو هم یک ستون کوچک است که شدت صفت در آنها ثبت می‌شود. می‌توانیم شدت صفات را در سه سطح انتخاب کنیم: ضعیف، متوسط و قوی؛ یا در پنج سطح: خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط، قوی و خیلی شدید؛ بسته به انتخاب خودمان است. اگر فرد این فرم خام را تهیه کند و دو سه ماه وقت جدی بگذارد و به خودش خیره شود؛ یعنی مواظب حرف زدن‌ها، رفتارها، انتخاب‌ها، سکوت‌ها و سخن گفتن‌هایش باشد؛ مواظب افکاری که در ذهنش می‌پروراند و آرزوهایی که در وجودش ایجاد می‌شود، باشد و اینها را قشنگ زیر نظر بگیرد؛ می‌تواند بسیاری از صفات اخلاقی خود را کشف و وارد این جدول کند.

کار دیگری که فرد می‌تواند برای کشف صفات اخلاقی خودش بکند، این است که در محیط خانواده-اش دقت کند. صفاتی که بین اعضای خانواده مشترک است، صفاتی موروثی است و به احتمال قوی در خود فرد هم هست؛ از این راه هم می‌تواند آن صفات را پیدا کند. کار دیگر، کمک گرفتن از دوستانی است که انسان با آنها محشور و صمیمی است. از آنها بخواهیم صادقانه تصویری را که از شخصیت ما دارند، به ما بگویند؛ نه اینکه برای دلخوشی ما چیزی بگویند. چون برطبق آن روایت، **أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أهدَى إِلَيَّ عُيُوبِي**^۱! حضرت فرمودند محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند. از آنها بخواهیم صادقانه هر عیب و حسنی در ما سراغ دارند، به ما بگویند. خصوصاً اگر کسانی که ما را می‌شناسند، اطلاعات اخلاقی خوبی هم داشته باشند، می‌توانند در خودشناسی بسیار کمک‌کار ما باشند؛ چون همان‌طور که گفتم، دیگران بیشتر به ما خیره هستند تا خودمان.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۳۹؛ صدوق، تحف‌العقول، ص ۳۶۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۹.

چیز دیگری که می‌تواند به ما در کشف صفات اخلاقیمان کمک کند، دقت در اشخاصی است که ما با آنها راحت اخت می‌شویم؛ این هم نکته‌ی جالبی است. مثلاً در همین کلاس می‌بینیم؛ بعضی از دانشجویان علاوه بر اینکه صندلیشان از اول ترم کنار هم است و هروقت می‌آییم، همان‌جا می‌نشینند، در کریدور یا حیاط دانشکده هم معمولاً با هم هستند. می‌دانید علت این‌که ما با بعضی افراد راحت اخت می‌شویم و به همدیگر جذب می‌شویم، چیست؟ نقاط مشترک اخلاقی‌بی است که ما با همدیگر داریم. لذا خود این هم می‌تواند کمک خوبی برای کشف صفات اخلاقی خودمان باشد. نگاه کنیم؛ ببینیم با چه کسانی خیلی راحت می‌شویم. چون نگاهمان به دیگران بیشتر خیره بوده و آنها را بیشتر می‌شناسیم تا خودمان، و چون آنها قطعاً صفات مشترکی با ما دارند، اگر به صفات آنها خیره و دقیق شویم، می‌توانیم صفات مشترک اخلاقیمان را پیدا کنیم و از این طریق، به صفات اخلاقی خودمان هم پی ببریم.

کار دیگری که در این راستا می‌توان کرد و آن هم کار مهمی است، این است که یک فهرست از صفات اخلاقی‌بی که ممکن است در انسان وجود داشته باشد، چه مثبت و چه منفی، تهیه کنیم؛ کتاب‌های اخلاقی را دیده‌اید دیگر. یک فهرست کامل از این صفات تهیه کنیم و آن را جلویمان بگذاریم و خودمان را با تک‌تک آن صفات چک کنیم؛ ببینیم این صفات در ما هست یا نه. این هم کار بسیار خوبی است. معمولاً اطلاعات اخلاقی ما خیلی کم است؛ یعنی ما صفات اخلاقی زیادی را نمی‌شناسیم. اگر الآن من به هریک از شما بگویم بیا پای تخته و صفات اخلاقی‌بی که ممکن است در یک انسان وجود داشته باشد را فهرست کن، ده پانزده تا که نوشت، به نَفْسِ نَفْسِ می‌افتد. ذخیره‌ی اطلاعات ما راجع به صفات اخلاقی، خیلی زیاد نیست. برای خود من چند سال پیش این سؤال به صورت جدی مطرح شد؛ منی که عمری است که کارم این است؛ الآن حدود بیست و پنج سال است که این بحث‌ها را در دانشگاه تدریس می‌کنم! یک‌روز نسبت به این حساس شدم که چه صفات خوبی ممکن است در

انسان وجود داشته باشد. باور می‌کنید از روزی که من شروع کردم به کار، تا روزی که این تحقیق تمام شد، یک سال تمام زمان برد؟! منی که اصلاً رشته‌ی کارم هم این است! یک‌سال زحمت کشیدم و یک فهرست نسبتاً کامل تهیه شد؛ که همان فهرست را به شکل یک مقاله درآوردم و در یکی از مجلات دانشگاهی منتشر شد.^۲ بعد هم در یکی از کتاب‌هایم به‌عنوان یکی از فصل‌های کتاب چاپ شد.^۳ شاید باورتان نشود که این‌همه صفت مثبت می‌تواند در انسان وجود داشته باشد! من بیش از هزار صفت نوشته‌ام. این مقاله را آوردم که نشان‌تان بدهم؛ تا ببینید که واقعاً میزان این صفات چقدر می‌تواند زیاد باشد! این فصل کتاب را نگاه کنید! صفت به صفت، دنبال هم نوشته‌ام؛ این‌همه شده است! هیچ باور می‌کنید که در انسان بتواند این‌همه صفات مثبت به‌وجود بیاید؟! اسم کتاب، مدیریت اسلامی است. حالا اگر فرد این مقاله را جلوی خودش بگذارد و یکی‌یکی صفات را بخواند و با خودش چک کند، از اینجا می‌تواند کشف کند که چه صفات مثبتی را دارد و از چه صفات مثبتی محروم است و ندارد.

به‌هرحال، اگر انسان به روش‌های گوناگون دو سه ماه زحمت بکشد، می‌تواند این جدول را به‌طور نسبی تکمیل کند و به حدی می‌رسد که دیگر برای تصمیم‌گیری در خودسازی قابل استفاده است. البته انتهای این جدول هیچ‌وقت به‌طور کامل بسته نمی‌شود؛ چرا؟ چون هم دائماً میزان شناخت ما از خودمان می‌تواند بیشتر شود و لذا این جدول می‌تواند کامل‌تر شود؛ و هم صفات اخلاقی خود ما قابل تغییر است و با تغییراتی که این صفات می‌کند، این جدول هم می‌تواند تغییر کند. ولی بعد از دو

۲. طیب، مهدی، «تحلیل رفتار فرد مسلمان و شیوه‌ای برای اصلاح رفتار»، فصل‌نامه‌ی فرایند مدیریت و توسعه، ۱۱ (۲)، ۱۳۷۶، صص ۳۶-

۴۶.

۳. طیب، مهدی، مدیریت اسلامی، ص ۱۹۳ به بعد.

سه ماه، به یک حدّ نسبتاً جامع و کاملی می‌رسد که می‌تواند نقطه‌ی شروع ما برای حرکت در مسیر خودسازی باشد؛ که اگر عمری بود، جلسه‌ی آینده بحث خودسازی اخلاقی را مطرح می‌کنم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم